



پایان تلخ فرانسه در آفریقا

عقب‌نشینی از نیجر به شکستی بزرگ در سیاست خارجی فرانسه است

دکتر مطهره مرادیان **■** امانوئل ماکرون دو روز قبل از سفر خود به گابن، ۲۷ فوریه ۲۰۲۳ ز راهبرد سپاه حال آینده فرانسه در آفریقا را شرح داد که مبتنی بر ایجاد یک رابطه جدید مسئولانه، متوازن و متقابل در چندین سطح با قاره آفریقا بود. در رابطه با جنبه نظامی نیز ماکرون تأکید خود را به ایجاد الگوی جدیدی از مشارکت مطرح کرد. او گفت: این امر به ویژه مسئله مازنگری در مفهوم پایگاه‌های نظامی است. برای اینکه این پایگاه‌ها بتوانند «ظاهر نقش خود را تغییر دهند»، برخی به «کامی» و برخی دیگر به «پایگاه‌های مشترک» تبدیل می‌شوند.

فرانسه در نیامی به پاریس را اعلام کرد، اما پس از چند هفته تنش با حکومت نظامی، چرا امانوئل ماکرون در نهایت تصمیم به بازگشت سیلویین ایته سفیر خود و هزارو ۵۰۰ سرباز مستقر در این کشور گرفت؟ اعلام خروج نیروهای فرانسوی از نیجر چه معنایی برای این کشور و فرانسه دارد؟ در حالی که نیروهای فرانسوی به تازگی از چندین کشور آفریقایی خارج شده‌اند، استراتژی نظامی فرانسه در این قاره چگونه دوباره طراحی می‌شود؟

خروج بی‌پلیمات‌ها و سربازان فرانسوی در سه کشور ساحل، نگاه‌ها را به موقعیت فرانسه در آفریقا، فراتر از یک تاکتیک نقش بر تر را در مسائل دفاعی و ژئوپلیتیکی داشت. تغییر داده است. بی‌اعتمادی ضدفرانسوی زدا فک‌ار عمومی و کودتاهای بی‌دربی در این منطقه روابط بین کشورهای فرانسوه را در پس‌زمینه محکوم کردن توافقات دفاعی مشتتج کرده است. از این رو سؤالات زیادی در مورد آینده نظامی فرانسه در این قاره وجود دارد.

فرانسه هم در نیامی و هم در صحنه بین‌المللی در گوشه رینگ قرار گرفته است. در نیامی، هزاران نیرو در مقابل پایگاه نظامی فرانسه تجمع کردند و حتی زمان بارندگی شدید نیز ساعت‌ها آفریقا به پایان رسیده است

عجیب است که فرانسه هنگام تدوین راهبرد جدید روابط خود با قاره آفریقا، بدون هیچ ارزیابی میدانی دقیقی از وضعیت سیاسی و اجتماعی این کشورها اقدام کرد و درست در همان سالی که الگوی جدید مشارکت فرانسه با آفریقا اعلام شد، این کشور مجبور به خروج مفتضحانه از سه کشور آفریقایی شد. دو ماه پس از کودتای نظامی که باعث سرنگونی محمد بازوم، رئیس‌جمهور نیجر به شد، امانوئل ماکرون در ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۳، خروج نیروهای فرانسوی و بازگشت سفیر

چشم‌انداز

به تظاهرات گسترده ادامه دادند. در حالی که برخی مفسران ادعای کردند تظاهرات کنندگان حقوق دریافت می‌کنند، سیل حضور افراد بی‌بازگرم و ناامید، نمایانگر عکس این موضوع بود و تقلیل این تظاهرات به پوپولیسم نشان‌دهنده عدم‌فهم صحیح پویای مردمی این کشور و به طور گسترده‌تر منطقه ساحل است. علاوه بر این، موج تظاهرات گسترده ضدفرانسوی در نیامی به وضوح به سیاست امانوئل ماکرون نسبت داده می‌شود که تصمیم گرفت علیه حکومت نظامی مشتمل بر او ریزشند و با اظهار تمایل به مداخله

نظامی برای بازگرداندن رئیس‌جمهور مخلوع، محمد بازوم و با امتناع از هر گونه تعامل با قدرت جدید، تنش‌ها را علیه خود متبلور کرد. نکته جالب توجه این است فرانسه در این موضع از سوی متحدان آمریکایی خود رها شد. این دو قدرت اگرچه پیش از این در آنچه مبارزه با تروریسم جهانی می‌نامیدند مشارکت داشتند، اما امریکا تصمیم گرفت برای حفظ پایگاه خود در آگادز از فرانسه فاصله بگیرد. در هشتم اگوست، ویکتوریا نیولند، سرپرست وزارت امور خارجه ایالات‌متحده به نیامی رفت تا با ژنرال بارو که در ایالات‌متحده آموزش دیده بود، ملاقات کند. سپس سفیر جدیدی به نام کاتلین فیتز‌گیبون را در این کشور منصوب کردند.

ایالات‌متحده در نیجر با بسازی روی یک دعوی حقوقی، حضور خود را در این کشور تثبیت کرد: رئیس‌جمهور سابق استعفا نکرده، بنابراین کودتا تکمیل نشده است، بنابراین مشاهده می‌کنیم دو کشور مواضع متفاوتی در قبال حکومت نظامی اتخاذ کردند، در نتیجه ایالات‌متحده باقی ماند و فرانسه منزوی، مجبور به عقب‌نشینی شد و اکواس، پس از رجزخوانی‌های جنگ‌طلبانه، به نظر نمی‌رسد حتی به راه‌اندازی عملیات نظامی در نیجر نزدیک باشد... فرانسه شتاب خود را در

آفریقا از دست داده و به جای اصلاح وضعیت، بی‌اعتمادی را در بین مردم برانگیخته و به طور خلاصه، «زمان برای فرانسه در آفریقا به پایان رسیده است.»

در موضوع مبارزه با تروریسم در منطقه ساحل نیز چندین سطح تحلیل وجود دارد. به زعم پاریس، با پیروزی کودتاچیان در نیجر و عدم حضور سربازان فرانسوی به عنوان شریک عملیاتی‌شان، موضوع مبارزه با تروریسم در این کشور با اختلال مواجه خواهد شد، اما در عمل، عملیات نظامی فرانسه در دو منطقه سررال و سسیس بر خان ساحل، مانع از رونق تروریسم نشد و گروه‌های جهادی هنوز مناطق وسیعی را در ساحل کنترل می‌کنند و حملات خود را به ویژه در مالی و بورکینافاسو افزایش داده‌اند. آنچه به وضوح در موضع کودتاچیان اعلام شد این است که سربازان نیجری می‌خواهند بدون حضور فرانسه با تروریسم بجنگند و در همین راستا دست به ابتکار جالبی زدند. نیجر به اتفاق بورکینافاسو و مالی، اتحادی با دولت‌های ساحل ایجاد کرد تا مانع‌شان را در مبارزه با تروریسم یکدست کنند. به این ترتیب ارتش در قدرت در نیامی گام عملیاتی جدیدی به سوی حاکمیت نیجر برداشت.

همچنین رویکرد فرانسه در دکتین دیپلماسی، دفاع، توسعه، و ژوئای بر دفاع و مبارزه با تروریسم داشت اما تعداد هزار سرباز برای قلمرو بزرگی مانند ساحل رقم بسیار محدودی است و در همین راستا هنگامی که ارتش فرانسه در جریان حمله‌ای که در سال ۲۰۲۱ در بوننی در مالی ۲۲ کشته بر جای گذاشت، مورد اتهام قرار گرفت، هر گونه مسئولیتی را رد کرد و اجازه تحقیقات مستقل را نیز صادر نکرد. این ناهماهنگی‌ها و تناقضات پاریس را بی‌اعتبار کرده و به احساسات ضدفرانسوی دامن زد.

عقب‌نشینی از نیجر برای فرانسه، یک انحراف و شکست شدید در سیاست خارجی این کشور است. پس از اینکه فرانسه مجبور به ترک مالی و بورکینافاسو شد، نیجر به عنوان آزمایشگاه جدید مداخلات فرانسه در منطقه در نظر گرفته شده بود: تغییر روش، تغییر پارادایم، کاهش حضور فیزیکی سربازان در دسترس کار پاریس قرار داشت. حال با وجود اخراج از این کشور به نظر می‌رسد فرانسه مجبور است یک بار دیگر حضور فیزیکی سربازان در دسترس تروریست‌ها قرار داند (شمال بنین، شمال توگو و شمال ساحل عاج) سازماندهی مجدد کند. پایگاه‌های سنگال و ساحل عاج شاید بتوانند با پیروی از این مدل معمرای جدید، جایگزین نیجر شوند، با این حال در این باره نیز چندین سؤال مطرح است. سنگال در آستانه ریاست جمهوری قرار دارد، اما آیا رئیس‌جمهور جدید سنگال به نفع مواضع فرانسه خواهد بود؟ سنگال نیز در مارس ۲۰۲۱، شاهد تظاهرات گسترده و بی‌سابقه ضدفرانسوی بود و طی آن برندهای فرانسوی مانند Auchan و Orange، مورد‌غارت قرار گرفتند. آیا فرانسه می‌تواند روی چنین پدیده‌های شکننده‌ای یک برنامه اقدام جدید بسازد؟

پنج‌گانه عضو آن که چهار کشور آن یعنی چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی جزو اقتصادهای نوظهور محسوب می‌شوند، برای مشارکت در مدیریت اقتصاد جهانی و رقابت در برابر گروه ۱۴ است که از اقتصادهای برتر صنعتی بلوک غرب تشکیل شده است. روسیه خواهان آن است اعضای بریکس به طور فعال در اصلاح نظام مالی و اقتصاد جهانی گام بردارند تا شرایط برای توسعه و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در محیطی عادلانه فراهم شود. گروه بریکس از نظر جمعیتی بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود و از ۱۴ سال پیش با هدف تقویت روابط تجاری و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و همچنین ایجاد نهادهای موازی بین‌المللی همچون بانک‌های توسعه‌ای و نظام تجاری جدید شروع به کار کرده است. بریکس ظرفیت‌های بسیار مهمی برای توسعه پرشتاب اقتصادی و تبدیل شدن به قطب اثرگذار و تعیین‌کننده در اقتصاد بین‌الملل دارد. اعضای بریکس هم چنین بارها خواسته خود درباره نمایندگی متناسب‌تر مناطق جنوب جهانی در نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول یا سازمان تجارت جهانی را با صدای بلند مطرح کرده‌اند.

سرن بریکس در نخستین روز از پانزدهمین نشست خود در «ژوهانسبورگ» پایتخت اقتصادی آفریقای جنوبی تمرکز سخنرانی خود را بر کاهش تکیه کشورهای عضو بر دلار، بهبود روابط اقتصادی و چگونگی افزایش جذب پول و وام‌دهی با ارزهای محلی در «بانک توسعه جدید» این گروه قرار دادند. چین و روسیه با قرار گرفتن در رأس گروه بریکس به دنبال پایان بخشیدن به سلطه دلار و قدرت اقتصادی غرب در مرادوات تجاری هستند. کشورهای بریکس دلایل زیادی برای ایجاد یک ارز جدید دارند. چالش‌های مالی اخیر در جهان و سیاست‌های خارجی غریبه به ویژه گروه ۷ مرکب از هفت کشور پیشرفته صنعتی جهان با نگرانی این تحولات و قدرت‌یابی روزافزون بریکس را دنبال می‌کنند و در عین حال خواهان نوعی اعمال نفوذ در این گروه هستند. در این راستا امانوئل ماکرون چندی قبل خواهان حضور در اجلاس سرن بریکس در آفریقای جنوبی شد. این درخواست از همان ابتدا با مخالفت شدید روسیه مواجه شد. مسکو اعلام کرد که با توجه به سیاست خصمانه پاریس در قبال روسیه، مشارکت ماکرون در اجلاس بریکس نامناسب خواهد بود. **درخواست برای پایان سلطه دلار** **■** شکل‌گیری گروه بریکس نمادی از تمایل کشورهای

«بریکس» اسب تروای یورش به نظم لیبرال



گروه در چین در سال ۲۰۲۲ از سوی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور این کشور مطرح شد تا سازوکاری برای نزدیک کردن کشورها به این گروه قبل از اعطای عضویت کامل باشد. سنسیداراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران با بیان اینکه ارتباط با همه کشورهای مستقل در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، می‌گوید: «گروه بریکس توانسته است کشورهای مستقل را با هدف مشترک همکاری‌های اقتصادی و مقابله با یکجانبه‌گرایی مردم آورد و بدون تردید یکی از قدرت‌های نوظهور جهان است که دوستان بسیاری در جهان دارد.»

بریکس نمادی از «رژیم‌سازی و ساختارسازی جدید در صحنه بین‌المللی» است که قدرت‌های در حال ظهور آن را در مقابله با جهان تک‌قطبی شکل داده‌اند و مطالبه مشترک اعضای آن، تعادل سیاسی و اقتصادی جهانی فراگیر تر به ویژه در مقابل آمریکا و اتحادیه اروپا است

پرونده

وزنه متوازن کننده ایران در سازمان همکاری شانگهای

سجاد مرادی کلارده **■** ایران در تیرماه ۱۴۰۲ در بیست‌وسومین نشست سرن سازمان همکاری شانگهای در «دهلی‌نو» به شکل رسمی به عنوان نهمین عضو اصلی این سازمان مهم منطقه‌ای پذیرفته و معرفی شد و پرچم ایران در کنار پرچم هشت عضو اصلی دیگر در برابر مقر دبیرخانه این سازمان در یکن به اهتزاز درآمد. سازمان همکاری شانگهای را می‌توان نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد خلأ امنیتی در کشورهای جهان شرق در برابر غرب ارزیابی کرد. روسیه برای پر کردن خلأ امنیتی ایجادشده از فروپاشی شوروی با همکاری چین و جمهوری‌های آسیای‌مرکزی این سازمان را در سال ۱۹۹۶ بنا نهاد. واقع با اطمینان می‌توان ادعا کرد جهان تک‌قطبی برای اینکه به صلح و ثبات جهان منجر شود، نیاز به نوعی وزنه تقابل در مقابل تنها ابرقدرت یک‌جانبه‌گرا داشت و سازمان همکاری شانگهای در حالی که هیچ کشوری را هدف‌گیری نکرده، نماینده یک مرجع قدرتمند در امور جهانی بوده و حداقل به عنوان یک وزنه تعادل موفق به برقراری توازن شده است.

وزنه متوازن کننده ایران

هر چند چین و روسیه به عنوان اعضای اصلی این سازمان هر دو در زمره قدرت‌های جهانی و از رقبای اصلی ایالات‌متحده هستند، اما می‌توان گفت که عضویت ایران نیز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای وزن متقابل بین این کشور و شانگهای را افزایش می‌دهد. وزن متقابل ایران و شانگهای از جمله در اهداف سیاسی و امنیتی با محوریت مهار یک‌جانبه‌گرایی ایالات‌متحده است. ایران در چند دهه گذشته همواره در منطقه غرب آسیا مخالف اصلی سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران، مخالفت با رویکرد یک‌جانبه امریکا را مهم‌ترین هدف سازمان شانگهای می‌دانند. در واقع این موضوع در میان مقام‌های امریکایی جاافتاده که شانگهای ابزار قدرت‌های رقیب برای اجرای سیاست ضدامریکایی آشکار

پیرامونی امنیت سرزمینی و موجودیتی خود با رویکردهای مداخله‌جویانه واشنگتن قدرتمند در مقابل هژمونی‌گرایی و سیاست قدرت است، دارای اهمیت است. این سازمان به حق کشورها برای توسعه دادن سیاست‌ها، اقتصادها و جوامع‌شان به روش خود احترام می‌گذارد و مخالف استفاده از قدرت اجباری حقوق بشر یا حقوق بشر دوستانه با هدف دخالت در امور داخلی کشورهاست. در بنیانه اخیر شانگهای در جولای ۲۰۲۳ تأکید شد که تحریم‌های یکجانبه اقتصادی بر خلاف قوانین بین‌الملل است و بر روابط جهانی تأثیر منفی می‌گذارد. مخالفت شانگهای با اقدامات برای اعمال محدودیت‌های تجاری که تهدیدی برای اقتصاد جهانی و سیستم چندجانبه تجاری است، شاهد دیگری بر این موضوع است. چه اینکه کشور اعضای عضو شانگهای بر پیشبرد توسعه یک اقتصاد جهانی باز، تضمین دسترسی عادلانه به بازار و حمایت از سیستم تجاری چندجانبه تأکید کردند، لذا عضویت ایران در شانگهای می‌تواند علاوه بر منطقه آسیای مرکزی، حوزه فعالیت این سازمان را در غرب آسیا که عمده متحدان ایالات‌متحده در آن حضور دارند، گسترش دهد. در برهه کنونی، برای چین عضویت تهران در شانگهای فرصت مناسبی برای همکاری امنیت منطقه‌ای در افغانستان فراهم می‌آورد. روسیه نیز که درگیر جنگ اوکراین است، مشارکت ایران را از نظر ایجاد محدودیت برای حضور امریکا در منطقه حائز اهمیت می‌داند.



در مناطق پیرامونی است، بنابراین سازمان شانگهای از این نظر که به عنوان یک نیروی قدرتمند در مقابل هژمونی‌گرایی و سیاست قدرت است، دارای اهمیت است. این سازمان به حق کشورها برای توسعه دادن سیاست‌ها، اقتصادها و جوامع‌شان به روش خود احترام می‌گذارد و مخالف استفاده از قدرت اجباری حقوق بشر یا حقوق بشر دوستانه با هدف دخالت در امور داخلی کشورهاست. در بنیانه اخیر شانگهای در جولای ۲۰۲۳ تأکید شد که تحریم‌های یکجانبه اقتصادی بر خلاف قوانین بین‌الملل است و بر روابط جهانی تأثیر منفی می‌گذارد. مخالفت شانگهای با اقدامات برای اعمال محدودیت‌های تجاری که تهدیدی برای اقتصاد جهانی و سیستم چندجانبه تجاری است، شاهد دیگری بر این موضوع است. چه اینکه کشور اعضای عضو شانگهای بر پیشبرد توسعه یک اقتصاد جهانی باز، تضمین دسترسی عادلانه به بازار و حمایت از سیستم تجاری چندجانبه تأکید کردند، لذا عضویت ایران در شانگهای می‌تواند علاوه بر منطقه آسیای مرکزی، حوزه فعالیت این سازمان را در غرب آسیا که عمده متحدان ایالات‌متحده در آن حضور دارند، گسترش دهد. در برهه کنونی، برای چین عضویت تهران در شانگهای فرصت مناسبی برای همکاری امنیت منطقه‌ای در افغانستان فراهم می‌آورد. روسیه نیز که درگیر جنگ اوکراین است، مشارکت ایران را از نظر ایجاد محدودیت برای حضور امریکا در منطقه حائز اهمیت می‌داند.

هم‌تکمیلی‌های شانگهای در حوزه‌های اقتصادی و کردوری نیز شایان توجه است. ایران در حوزه انرژی (ذخایر کشف‌شده و قابل استحصال نفت و گاز طبیعی) در کنار روسیه از منابع اصلی تأمین‌کننده است. از سوی دیگر کشورهای آسیای‌مرکزی نیز در این حوزه از ذخایر مناسبی برخوردار هستند. این تسریع و تأثیرات منفی بر اقتصاد آمریکا داشته باشد.

تهدیدپذیری غرب داری کارکرد باشد.